

نوروز ۱۳۸۶

دوست بسیار عزیز و هنرمندم ، بانذره اله اصفهانی
باز هم سنجی‌ای را آرزو مندیم م در سال نو ،
سرمه‌های کهنسال و جاودانه ما را از سر آفرینان و در ^{صفای}
رها سازد .

عزیزانه باقرار رسیدن نوروز ، بهانه ای به دست می آید
کرای ای برادرانم و دولتی درین . همیشه به یادمان حسین
و امیدوارم م سال نو کرای با و عزیزانمان ،
سادی و هنرهای و کامیابی ، ارمغان آورد .
از دور دستمان را می فرستیم و آرزوی
سیدارمان را در دل هم می درانم .

ارادتمند
کردین لیلیا

دوست دیرین بسیار عزیزم خانم پروین سگیا

بگفت در یک کجای

فردوز و نوبهار است

این یک فردوز نیست

این چنین از کار است

ایستادگان سرساز از مهر و امید بهرین فردوز و فردوزی
آینده را بر آینه آینه کردی گم

از این که بازم بنده می کرده با نام نامی

رالم را می دوش در گردید بسیار گم

برای دیدن دیوار دوستداران

و امیر

۱۳۸۶